

پیدا می‌کند اما بعد از مدتی به دلیل هم‌افزایی قیمتی که در کشور ما وجود دارد، بازهم احساس می‌کنیم که سطح قیمت‌ها پایین است. به دلیل افزایش شدت مصرف انرژی، یک شکنندگی در تأمین رخ داده که در صورت بی‌توجهی به آن، کشور بزودی نیازمند واردات انرژی خواهد شد و اینگونه سوت پایان خودکفایی در تأمین انرژی برای یکی از بزرگترین دارندگان ذخایر هیدروکربوری جهان به صدا درمی‌آید. رئیس انجمن بهینه‌سازی مصرف انرژی می‌گوید: کشور ما از نظر تأمین انرژی در یک قدمی بحران قرار دارد. دولت سیزدهم دیگر فرصتی برای تکرار اشتباهات دولت‌های قبلی ندارد و باید از همان ابتدا روی بهینه‌سازی انرژی تمرکز کند. متن کامل گفتگوی دنیای انرژی با آرش نجفی رئیس انجمن بهینه‌سازی مصرف انرژی را در ادامه می‌خوانید:

■ بر اساس آنچه اوجی وزیر نفت اعلام کرده ایران با ۲۰۰ میلیون کسری گاز در زمستان امسال مواجه خواهد شد. چرا باید کشوری که خود دارنده دومین ذخایر گازی دنیاست، حتی در تأمین نیاز داخلی خود با مشکل مواجه شود؟

مشکل اصلی ما به سیاست‌گذاری‌های اشتباه و حکمرانی بد در حوزه انرژی برمی‌گردد. سیاست‌های کشور هیچ‌گاه به گونه‌ای نبوده که مردم را به سمت مدیریت مصرف انرژی هدایت کند. براساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، ایران در سال ۲۰۲۰ میلادی، به تنهایی حدود ۱۶.۵ درصد از یارانه مصرف سوخت‌های فسیلی در جهان (۱۸۱ میلیارد دلار) را پرداخت کرده و از این حیث در صدر جدول جهانی قرار دارد. آنگونه که در این

تأمین انرژی ایران در یک قدمی بحران قرار دارد. این را رئیس هیات مدیره انجمن بهینه‌سازی مصرف انرژی می‌گوید. اما پرسش اینجاست که سرانه بالای مصرف انرژی در ایران محصول کدام شرایط و عوامل است؟ آیا ما جامعه بدمصرفی هستیم یا سیاست‌گذاری‌ها درست نبوده است؟ آرش نجفی در گفت‌وگویی اختصاصی با «دنیای انرژی» درصدد پاسخگویی به این پرسش برآمده است. این فعال اقتصادی که معتقد است اقتصاد ایران دچار پدیده روزنانس یا همان پروانه‌ای شده است، ریشه مشکلات را در حکمرانی بد انرژی دانسته و معتقد است: قیمت انرژی در ایران بدون اینکه زیرساخت‌های لازم برای کاهش مصرف در کشور ایجاد شود، افزایش



نشانه‌های حکمرانی بد انرژی در ایران

تأمین انرژی در یک قدمی بحران است، دولت سیزدهم فرصتی برای تکرار اشتباهات قبلی ندارد

قیمت بنزین در ۴۰ سال گذشته ۳ هزار برابر شده اما بازهم می‌گوییم ارزان است

پایان خودکفایی انرژی در ایران

سهبلا روزیان - دنیای انرژی

کشور تحمیل کرد. این در حالی است که تغییر قیمت بنزین نباید به ذاته تورم بیش از ۵ درصدی داشته باشد. اما وقتی هم افزایشی اتفاق می‌افتد، چنین تورمی به کشور تحمیل می‌شود و بعد مدتی قیمت‌ها به نظر کم و ارزان می‌آید. هم اکنون قیمت بنزین در کشور ما حدود ۱۰ سنت است. اگر دوباره قرار باشد قیمت بنزین و دیگر حامل‌های انرژی در کشور افزایش یابد دوباره برای مدتی قیمت سوخت در کشور ما به فوب خلیج فارس نزدیک می‌شود. اما بعد از مدتی به دلیل خاصیت تورمی افزایش قیمت بدون کاهش مصرف، دوباره ارزش سوخت در کشور کاهش پیدا می‌کند و دوباره همان آس و همان کاسه. شک نکنید که ۱۴۰۰ سال بدی برای کشور از نظر گاز خواهد بود و با کمبود شدیدی مواجه خواهیم شد.

■ برآوردهای صورت گرفته نشان می‌دهد که بیشترین انرژی کشور در بخش خانگی مصرف می‌شود. مدیریت مصرف در این بخش تا چه اندازه می‌تواند از سختی امسال کم کند؟
۳۸ درصد مصرف انرژی کشور مربوط به بخش خانگی است. از طرفی ۴۰ درصد هم بد مصرفی داریم. با این حساب با مدیریت مصرف در بخش خانگی می‌توان شدت مصرف انرژی در کشور را تا ۱۵ درصد کاهش داد. این حجم از کاهش مصرف می‌تواند بخش زیادی از مشکلات کشور را حل کند. اگر مصرف گاز در بخش خانگی را متوسط ۶۰۰ میلیون مترمکعب در نظر بگیریم با بهینه‌سازی مصرف انرژی دست کم می‌توان حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب در مصرف صرفه جویی کرد. این رقم نصف همان کمبود گازی است که وزیر نفت اعلام کرده است.

■ کسری برق به ۱۱ هزار مگاوات و گاز به ۲۰۰ میلیون مترمکعب رسیده است. وضعیت منابع آبی کشور هم به هیچ وجه مناسب نیست و امکان تامین آب بسیاری از بخش‌ها دیگر

مصرف انرژی خود دولت است. جالب است که بدانید هر سرمایه‌گذاری که در حوزه مدیریت مصرف انرژی در کشور صورت گیرد ظرف مدت ۳ تا ۷ سال بر می‌گردد.

■ اما تجربه نشان داده که واگذاری امور به دولت نتیجه خوبی را در پی نداشته است. آیا می‌توان به دولت در زمینه کاهش مصرف انرژی و افزایش بهره‌وری اعتماد کرد؟
منظورم این نیست که دولت خود عهده دار این وظیفه شود. منظورم تامین مالی توسط دولت است. کافی است که نگاهی به تجربه‌های دنیا در این حوزه داشته باشیم. هم اکنون در دنیا شرکت‌هایی برای کاهش مصرف و ارتقای راندمان و بهره‌وری فعالیت می‌کنند که هزینه این طرح را از محل سوخت صرفه‌جویی شده دریافت می‌کنند. در ایران نیز امکان این کار وجود دارد و اگر مسئولان اراده لازم را داشته باشند، شرکت‌هایی هستند که حاضر به اجرای چنین طرح‌هایی باشند. این اتفاق علاوه بر کاهش شدت انرژی، بهبود محیط زیست و ایجاد ظرفیت صادرات انرژی یک دستاورد مهم دیگر نیز خواهد داشت و آن هم اشتغالزایی است. به نظر می‌رسد که حدود ۲ میلیون شغل را بتوان تنها از طریق کسب و کارهای بهینه‌سازی مصرف ایجاد کرد.

■ چه طرح‌هایی می‌تواند به بهینه‌سازی مصرف انرژی در کشور کمک کند؟
دایره تعریف پروژه‌های بهینه‌سازی بسیار وسیع است و از احداث بنا و ساختمان با عمر مفید بالا تا نوسازی ناوگان‌ها و خرید لوکوموتیو و واگن، احداث اتوبان در حوزه بهینه‌سازی مصرف انرژی محسوب می‌شود. یعنی هر آنچه که باعث کاهش مصرف انرژی شود در این زمره است حتی احداث پارکینگ طبقاتی و همچنین نوسازی صنعت برق و نوسازی ترانس‌ها و تولید خودروهای هیبریدی.

دولت سیزدهم فرصتی برای تکرار رفتارهای اشتباه دولت‌های قبلی ندارد و باید هر چه سریع‌تر بهینه‌سازی مصرف انرژی در بخش‌های مختلف را آغاز کند

ممکن نیست. با این وجود دولت‌های قبلی عملاً هیچ تلاشی برای بهینه‌سازی مصرف انرژی نکردند. ریشه این بی‌توجهی در چیست؟
مگر می‌شود که بدون کاشت دانه؛ گندم درو کرد. دولت‌های قبلی بهینه‌سازی مصرف انرژی را فراموش کردند و هیچ سرمایه‌گذاری در این بخش نکردند در سال‌های گذشته شرکت بهینه‌سازی مصرف انرژی به یک دکور تبدیل شد و وزارت نفت و نیرو هیچ توجهی به این مساله نداشتند. حتی وزارت نفت آیین‌نامه ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید را به گونه‌ای تدوین کرد که طرح‌های بهینه‌سازی انجام نشود. اما حالا دیگر تامین انرژی ایران در یک قدمی بحران قرار دارد. دولت سیزدهم فرصتی برای تکرار رفتارهای اشتباه دولت‌های قبلی ندارد و باید هر چه سریع‌تر بهینه‌سازی مصرف انرژی در بخش‌های مختلف را آغاز کند. شاید این سوال پیش آید که چرا دولت؟ نباید فراموش کرد که همه امور و البته ابزارهای مربوط به نفت و انرژی در اختیار دولت بوده و عملاً بخش خصوصی هیچ سهمی ندارد. از طرفی ذی‌نفع اصلی در مدیریت و کاهش

۱۲ سال پیش به آن اشاره کردند. قرار بود که از پرمصرفی به سمت خوش مصرفی حرکت کنیم و بعد در مسیر کم مصرفی و بعد هم بهینه سازی مصرف قرار بگیریم. در سال ۸۸ اما انحراف بزرگی در نحوه پرداخت انرژی در کشور صورت گرفت و به جای اینکه سرمایه‌های کشور را صرف ایجاد زیرساخت‌های کاهش مصرف انرژی کنیم، شروع کردیم به پرداخت یارانه نقدی دست مردم. در آن سال‌ها یارانه ماهانه دریافتی هر نفر معادل ۵۳ دلار بود. به عبارت دیگر یک خانواده ۴ نفره سالانه حدود ۲۵۰۰ دلار یارانه دریافت می‌کردند. با همان پول دولت وقت می‌توانست یک خودروی هیبریدی کم مصرف به مردم بدهد و در عوض قیمت بنزین را واقعی کند. اما سیاستگذاران در کشور ما معمولاً به سراغ ساده‌ترین راه حل می‌روند که اتفاقاً بهترین هم نیست. حالا دیگر بحران در یک قدمی ایران قرار دارد. اگر برای مدیریت مصرف بخش‌های مختلف بویژه صنعت فکری نکنیم، بزودی یک کشور بحران‌زده در زمینه انرژی خواهیم شد. از دو سال پیش شاهد کمبود برق بودیم. امسال صحبت از کسری گاز می‌شود و سال آینده در زمینه تامین بنزین به چالش خواهیم خورد. همه اینها نشانه‌های حکمرانی بد و سیاست‌گذاری‌های اشتباه در زمینه مدیریت مصرف انرژی است.

■ آیا واقعاً قیمت انرژی در ایران، البته به تناسب سطح درآمد مردم ارزان است؟

اینکه انرژی در ایران بسیار ارزان است، ادعای درستی است. اما دلیلش این نیست که قیمت‌ها در سال‌های گذشته کم تغییر کرده است. دلیل ارزانی انرژی در ایران همان پدیده پروانه‌ای یا روزنانس است. جالب است که بدانید در سال ۹۸ قیمت بنزین در ایران از قیمت فوب خلیج فارس هم بالاتر رفت. بر اساس برآوردهای صورت گرفته این گرانی بنزین ۶۸ درصد تورم به

بخواند در غیر اینصورت با خطر فروپاشی اقتصاد مواجه می‌شویم. برخلاف آنچه تصور می‌شود اگر قیمت انرژی در کشور بدون کاهش مصرف بالا رود، هزینه مردم افزایش یافته و این رشد هزینه‌ها به سایر بخش‌ها هم منتقل می‌شود. جالب است که بدانید بهای بنزین در طول ۴۰ سال گذشته ۳ هزار برابر شده با این وجود همچنان مدعی هستیم که شدت مصرف انرژی در ایران به دلیل پایین بودن قیمت‌ها بالاست.

■ اینطور که از صحبت‌های شما استنباط می‌شود بیشتر از اینکه به دنبال افزایش ظرفیت تولید و توسعه میدان‌های گازی باشیم باید درصدد بهینه‌سازی مصرف انرژی برآیم؟

در سال‌های گذشته کاهش مصرف به عنوان یکی از استراتژی‌های تحت تولید مورد توجه قرار گرفته است. برخلاف آنچه تصور می‌شود تنها راه برون رفت از کمبود گاز در کشور اصلاح الگوی مصرف است. این همان نکته‌ای است که مقام رهبری

گزارش آمده، ایران در سال ۲۰۲۰ حدود پنج میلیارد دلار یارانه در بخش نفت، ۱۲.۵ میلیارد دلار در بخش برق و ۱۲.۲ میلیارد دلار در بخش گاز پرداخت کرده که در مجموع ۲۹.۵ میلیارد دلار (۷۴۰ هزار میلیارد تومان) یارانه به انرژی اختصاص داده است. بر این مبنای سهم هر ایرانی از یارانه انرژی در سال حدود ۹ میلیون تومان و روزانه حدود ۲۵ هزار تومان است. اما آیا پرداخت این حجم از یارانه توانسته کمکی به بهبود سطح معیشت مردم کند؟

■ یعنی شما موافق حذف یارانه انرژی و واقعی شدن قیمت‌ها در اقتصاد ایران هستید؟

متأسفانه جامعه ما در ۴۰ سال گذشته فرتوت اقتصادی شده است. بنیه اقتصادی ضعیف کشور، شکنندگی جامعه در برابر افزایش قیمت‌ها را به شدت بالا برده است. از طرفی سیستم مدیریت و نظارت درست و کافی را هم برای افزایش قیمت سوخت در کشور ایجاد نشده است. شاهد بودیم که رشد قیمت بنزین در آبان سال ۹۸ خیلی بیشتر از سهم واقعی خود قیمت کالاها و خدمات را بالا برد. در اینکه قیمت انرژی باید واقعی شود، شکی نیست. اما واقعی سازی قیمت‌ها هم خود هم شرایطی دارد. نمی‌شود بدون اینکه ابزار کاهش مصرف را در اختیار مردم بگذاریم انتظار داشته باشیم که مصرف کاهش یابد. به عنوان مثال وسایل سرمایشی که در اختیار مردم هستند، بهره‌وری پایینی در برابر میزان انرژی مصرفی خود دارند؛ در خانه‌هایمان هم مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان رعایت نشده، اما انتظار داریم که مصرف برق مردم کاهش پیدا کند یا در زمستان گاز کمتری بسوزانند! فرهنگ سازی تنها می‌تواند سی درصد مصرف انرژی کشور را کاهش دهد، باقیمانده بر دوش مدیریت است. اگر می‌خواهیم اقتصادی پویا داشته باشیم باید ورودی و خروجی‌هایمان با هم

مشکل اصلی ما به سیاست‌گذاری‌های

اشتباه و حکمرانی بد در حوزه انرژی

برمی‌گردد. سیاست‌های کشور هیچ‌گاه به

گونه‌ای نبوده که مردم را به سمت مدیریت

مصرف انرژی هدایت کند